

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

درویش وردک

۱۲ می ۲۰۱۵

## مجلس چهارم (درتوبه)

بامداد روزدهم ماه شوال سال ۵۴۵ هجری قمری شیخ عبدالقادر (رَضِيَ اللهُ عَنْهُ) درخانقا چنین فرمودند: از رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ): «مَنْ فَتِحَ لَهُ بَابٌ مِنَ الْخَيْرِ فَلْيَنْتَهِزْهُ إِنَّهُ لَا يَدْرِي مَتَى يُغْلَقُ عَنْهُ» - (هرکس دری از رحمت بر روی اوگشوده شود باید آنرا فرصت شمارد، چون نمی داند کی بر روی او بسته می شود).

ای قوم باب نعمت حیات را غنیمت شمردید تا زمانی که باز است. زیرا به زودی بسته می شود. از انجام اعمال خیر غفلت نوزید تا زمانی که بر آن قادرید. درتوبه فعلاً بر شما باز است، آن را غنیمت بشمارید تا وقتی که بسته نشده به درون آن آئید. باب دعا باز است فرصت را از دست ندهید، و از باب معاشرت برادران صالح و نیکو کارتان زمانی که بر روی شما باز است، استفاده کنید.

(ای قوم) آنچه را که ویران کردید تجدید بنا کنید. آنچه را که آلوده کرده اید با آب توبه بشوئید. هرچه را فاسد نموده اید در اصلاح آن بکوشید، آنچه را تیره و کدر ساخته اید در پاک کردن فعال باشید، و بالاخره آنچه را امانت گرفته اید آن را به اهلش برگردانید، گریز و فرار از حق را ترک کنید و به سوی خدای بزرگ بازگردید.

(یا غلام) اینجا غیر از خدای عزوجل کسی نیست، اگر با خدائی، بنده اوئی و اگر با خلق خدائی بنده آنانی. در این مورد سخنی نداری که برایت حجت باشد. پس از بیابان تفرقه و جدائی که قلب شما در آن مسکن گزیده برگردید، و بادل و جان به خالق یکتا ببینید. تمام عوامل معارض که اندرون ترا تیره گردانیده اند، فراموش کن. بدان که جویای حق عزوجل از تمام وسایل معارض جدائی می کند. چون می دانند که آنها حجاب و پرده ای است که بین آنان و حق مانع ایجاد می کند.

(یا غلام) از کاهلی به دور باش چون شخص کاهل برای همیشه از رحمت حق محروم است و همواره با پشیمانی دست به گریبان. اعمال رانیکو گردان چون خداوند متعال در دنیا و آخرت با تو نیکی کرده است.

ابومحمد عجمی رحمت خدا بر او باد می گفت: خدایا ما را از نیکو کاران برگردان. درحالی که قصدش این بود که بگوید از اسباب برگردان فلش به خدا مشغول بود زبانش از او پیروی نکرد. هر که لذت قرب چشید، اومی داند مقام قرب چیست. همنشینی با مردم با رعایت حدود شرع و رضای خدا مبارک است. اما اگر در معاشرت با خلق حدود شرع و رضای خداوند رعایت نشود ناپسند است. پذیرش بندگیها یا عدم پذیرش نزد کسانی که صفای قلب دارند و برگزیدگانند، نشان سعادت است، چون فقط به قصد وجه الله عبادت می کنند و انتظار پاداش ندارند.

(یاغلام) دام دعای ظاهری را بردار و به رضاء و تسلیم به حق برگرد، به زبان دعامکن و بادل اظهار بیزاری. روز قیامت از اعمال نیک و بد انسان بدو خبر می دهند، آنجا پشیمانی دیگر سودی ندارد و جاه و مقام را وزنی نیست. نبی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است:

«الْأُنْبِيَا مَزْرَعَةُ الْأَخْرَةِ فَمَنْ زَرَعَ خَيْرًا حَصَدَ غَبْطَةً وَمَنْ زَرَعَ شَرًّا حَصَدَ نَدَامَةً» - (دنیا کشتگاه آخرت است هر که بذرنیکی پاشید شادمانی آخرت درو می کند، و هر که دانه بدی کاشت حاصلش ندامت و پشیمانی است). وقتی مرگ به سراغت آمد بیدار می شوی ولی آن زمان بیداری نفعی ندارد.

بار خدایا همه ما را از این خواب غفلت بیدار فرما و از زمره آنانی که از تو غافلند و به شناخت توجاهل، مگردان، آمین. (یاغلام) همنشینی با بدان موجب می شود نیکوکاران به تو سوء ظن پیدا کنند. پس زیر سایه کتاب خدا و سنت رسولش رهسپار کوی حقیقت باش، تارستگار و کامیاب شوی.

(یاغلام) از خدای عزوجل به طور بایسته شرم کن. و غافل مباش زمان به تندی می گذرد و از دست می رود. به طور کلی وقت خود را در جمع آوری آنچه که از آن استفاده نمی کنی، صرف کرده ای و تفکر در چیزی که از فهمش ناتوانی و بنائی بر پای می داری که در آن ساکن نخواهی بود. تمام اینها تورا از قرب حق باز داشته است.

یاد خداوند بردلهای عارفان چادر زده و آن را احاطه کرده است به طوریکه جز یاد خدا همه چیز را فراموش کرده اند، و همین که این مقام حاصل شد به خطاب « فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْأَمَّاوِي » که جایگاه راستان بهشت است نایل می شوند. بهشت دو گونه است نقد و نسیه، بهشت نقد در دنیا، و آن عبارت است از رضاء به قضای الهی و قرب حق و مناجات به درگاه خدا و رفع حجاب میان مؤمن و خدا، در این بهشت نقد در دنیا، شخص در ظاهر و باطن همواره به یاد خدا می باشد. که این لذت قرب همان بهشت نقد دنیوی است. «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» - (چیزی به مانند خدانیست، و او شنوا و بینا است. سوره شوری آیت ۱۱).

و اما بهشت موعود آنست که خداوند به بندگان مؤمن وعده داده است، که عبارت است از لقاء الله بدون هرگونه حجاب و مانع، بدون شک تمام نیکیها نزد خداوند است، و بدی در نزد غیر خدا، و توفیق انجام خیر از جانب پروردگار و به وسیله رو آوردن به خدا و اطاعت او امر او ممکن است و شر و بدبختی در دوری از خدا و به عدم اجرای او امر اوست. هرکاری که به امید پاداش انجام شود آن کاربرای خودت می باشد و هرکاری که فقط به جهت لقاء الله و رضای او انجام شود آن کاربرای خداست. اگر عملی انجام دادی و در انتظار عوض و پاداش بودی، جزای آن نزد مخلوق است و اگر به منظور لقاء الله و رضای او کاری انجام دادی پاداش تو مقام قرب است. پس برای ادای تکالیف خود در طلب پاداش مباش. دنیا و آخرت در مقابل وجه الله ارزشی ندارد. منعم و بخشنده واقعی رابطلب، نه نعمت فانی را. گفته اند: «اول همسایه سپس خانه» خداوند است خالق تمام اشیاء و به وجود آورنده کلیه موجودات، در گذشته و حال و آینده.

لازم است که به یاد مرگ باشی و بر آفات و مصیبتها صبر کنی و به خدای تبارک و تعالی در تمام احوال توکل نمائی. هرگاه این سه صفت در تو پیدا شد، فرشته ای به سراغت می آید و مرگ را به یادت می آورد، زهد و صلاح را رنگ درستی می دهد و با صبر به پیروزی ات می رساند و به آنچه از برکات و رحمت های خدای می خواهی کامیاب می کند، و با ایجاد توکل رنگ تعلقات مادی را از ضمیرت پاک می کند و به خدای عزوجل خواهی پیوست و از تمام دنیا و آنچه دروست به جز خدا به چیزی دل بستگی نشان نمی دهی. آنگاه درهای رحمت از هرجانب به سوی تو گشاده می شود. به حمایت و پشتیبانی خدا مفتخر می گردی و چنان در حفظ و امان خداوند خواهی بود که هیچ کس را در هیچ مرحله ای بر تو چیرگی نخواهد بود. تمام درهای عناد و دشمنی خلق بر روی تو بسته می شود و از گزند شیطان نفس در امان خواهی بود. و به مرحله ای می رسی که خداوند وعده فرموده: « إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ » - (همانا تو (شیطان) بر بندگان من قدرت و توانی نداری. سوره حجر آیت ۴۲). چگونه شیطان هوی و شیطان حقیقی بر بندگانی که در رفتار و گفتار آنان

کوچکترین رنگ ریا و ظاهر سازی نیست، چیرگی می تواند پیدا کند؟ نتیجه گفتار در نهایت هویدا می شود و نه در ابتداء، ابتداء گنگی است و نهایت گویائی واقعی. فرمانروائی بنده مخلص دردل است و اقتدار او به باطن است و به ظاهر، اما به ندرت پیدا می شود کسی که قدرت ظاهری و باطنی را یکجا جمع نماید.

اسرار خود را همواره پوشیده بدار تا به حد کمال برسی و قلبت به خدانزدیک شود. وقتی بدین مرتبه رسیدی به چیزی مبالغت مکن چه توبه مقصود خود رسیده ای، و نگهبانی پنهانی ترا حراست می کند و تمام مردم به مانند دیوارها و درختان جلوه می کنند و ذم و مدح دیگران برایت مساوی می گردد، توجه و بی توجهی مردم برایت یکسان می شود. تو به اذن پروردگارت صاحب قدرت و تصرف می گردی. دارای مقام حل و عقد می گردی. فرمان این اقتدار به دل تو سپرده می شود و نشان آن دست باطن تو است.

ولی عاقل باش و از این مقوله سخنی به زبان نیاور. هوشیار باش دچار هوی و هوس نگردی که در اینصورت در حکم کوری هستی که باید عصاکش بطلبی، تو در حکم جاهلی هستی که نیازمند معلمی، هرگاه به چنین معلمی برخوردی باو تمسک کن و قول اورا بپذیر و هرگاه به جاده حقیقت رسیدی در آن جایگزین شو تا معرفت کامل حاصل نمائی، و در این هنگام تمام گمراهان به سوی تو می آیند و مقام و مامنی برای مسکینان خواهی شد.

از جمله ویژگیهای جوانمردی حفظ اسرار الهی است و باخوشخوئی با خلق خدا رفتار کردن، تودر کجائی؟ چه کسی می تواند حق و رضای حق را جز به وسیله خود خدا طلب کند؟

بشنو گفتار خدای تبارک و تعالی را: «**مَنْكُم مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمَنْكُم مَّن يُرِيدُ الْآخِرَةَ**»-(از شما کسانی است که دنیا را می خواهد، و کسانی دیگر در طلب آخرت اند. سوره آل عمران آیت ۱۵۲). و درجائی دیگر فرمود: «**هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ**»-(آنجا سرپرستی برای خدا حق و سزاوار است. سوره كهف-آیت ۴۴).

هرگاه این صفات در وجود توبه حد کمال رسید آنوقت دنیا و آخرت به صورت دو خادم بدون ضرر و زیان و بی هیچ رنج و تعبیه به سوی تومی آیند. در رضای حق را بکوب و ملازم آن در باش چه از ملازمین آن درگاه کلیه پریشانیهای خاطر زدوده می شود و خودشناسی جایگزین آن می گردد. سپس از حالات نفس و قلب آگاهی حاصل می کنی، و آنچه از واردات ابلیس یا فرشته بردلت بگذرد آن را خواهی شناخت و به این حالت که در تو ایجاد می گردد خاطر حق گفته می شود و جمع این اضداد که بردل می گذرد باطل است، تا وقتی که هر خاطر صحیح را از نادرست به وسیله شواهد و نشانه های آن بشناسی، هر وقت بدین پایگاه رسیدی دیگر جز آنچه از سوی خداوند است چیزی بردل تونمی گذرد. و در این مرحله خاطر حق ترا ادب می کند، و ثابت و پایداری می دارد، برمی خیزاند و می نشاند. گاهی ساکنت می کند و گاهی متحرک، به اعمال روا و ادارت می کند و از زشتی ها بازت می دارد.

(یا قوم) در بند کم و زیاد نباشید، به پیشی گرفتن و جاماندن، زیاد نیندیشید. زیرا مقدرات الهی بر تمام افراد بشر احاطه دارد و هر کسی دارای سرنوشت قطعی است. در این مورد سول اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) می فرماید: «**فَرَعَ رَبُّكُمْ مِنَ الْخَلْقِ وَالرِّزْقِ وَالْأَجَلِ جُفَّ الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ**»-(پروردگار شما کار آفرینش و تقسیم روزی و زمان زندگی و مرگ را بسامان آورد و قلم در مقدرات او خشک گردید). یعنی بر مقدرات او دیگر رقمی کشیده نمی شود. خداوند متعال ساختار تمام اشیاء را چنان که بایسته بود انجام داد، و طبق خواست ازلی مراتب امر و نهی را نسبت به آنها مقرر فرمود، پس برای کسی جای مجادله درباره آنچه حکم ازلی است باقی نمی ماند. «**لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ**»-(از او درباره هر کاری که می کند پرسیده نمی شود و بندگانست که از کردارشان سؤال می شود. انبیاء آیت ۲۳).

(یا قوم) به ظاهر این امور عمل کنید، تا عمل به ظاهر، شما را به باطن امور برساند چون همیشه از ظاهر به باطن می توان رسید. اول دل آگاهی حاصل می کنی آنگاه از دل به نفس و از نفس به زبان القاء می شود و زبان است که آن اسرار

رأبه خلق می رساند و مصالح و منافع خلق الله را تأمین می کند. خوشا به حال شما اگر بانجام این دستورات به موافقت و محبت حق نایل شدید.

شگفتا! ادعای محبت حق داری و از شرایط آن غافل، بدان که برای رسیدن به خدا دوستی شرایی وجود دارد، از شرایطش یکی موافقت است در مقابل تقدیرات او، دیگر این که جز به یاد او به چیزی دیگر دل نبندی، فقط به یاد او مأنوس باشی و در پیشگاهش احساس وحشت نکنی، هرگاه حب خدا در دلی جای گرفت فقط به یاد او شاد است و از غیر او متنفر، پس از ادعای دروغین خود توبه کن زیرا حب حق چیزی است که با ادعای دروغین و تمنی و خواست ظاهری و تصنع و ریا به دست نمی آید.

توبه کن و به خدای برگرد و در توبه باید ثابت و پایدار باشی چه صحت توبه در ثبوت و پایداری است. توبه به مانند درختی است که فقط کاشتن آن کافی نیست، بلکه اصل رشد درخت و ثمر و بهره آنست.

و همچنین شیخ قَدَسَ سِرُّهُ فرمود: در هنگام درماندگی و رنج، به گاه فقر و توانگری، سختی و راحت، در حال سلامت و بیماری، در خیر و شر، در وقت عطا و هنگام منع، شاکر و سپاسگزار و تسلیم به امر حق باشید چون بهترین دآوری تمام آلام همان تسلیم به خداست. هرگاه مصیبتی به تورو آورد و وحشت مکن و از خدا دوری نگزین و به خلق شکایت منما چون این بی تابی ها موجب ازدیاد رنج و مصیبت می شود. ولی تسلیم و رضا، ثبات و پایداری در مقابل امر سبب آرامش خاطر و سبک شدن بار مصیبت می گردد. بنگر درباره توجیه مقدر کرده است، بدان شادباش و به هرگونه تغییر و تبدیل راضی باش، هرگاه بدین مرحله رسیدی تمام وحشت ها به انس و تنهایی ها به شادکامی بدل می گردند.

بار خدایا همه ما را به انس ذات اقدس خود آشنا گردان.

«وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».